

شبهه رنجور دانشجوین مسلمان دانشگاه مشهد

ویژه روز جهانی کارگر

گاهنامه

ویژه روز جهانی کارگر

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد

فهرست مطالب

عنوان	مطلب
مقدمه‌ای درباره‌ی روز جهانی کارگر.....	۳
خلاصه‌ای از وضعیت کارگری در شهر مشهد	۱۰
گزارشی از کارخانه قند فریمان	۱۴
گزارشی از کارخانه سیم‌الکتریک خراسان	۲۲
گزارشی از کارخانه قند آبکوه.....	۲۹
گوشه‌ای از اتحاد و همبستگی کارگران در مقابل سرمایه‌داران	
وابسته در شرکت آلیاژ مشهد.....	۳۷
گزارشی از کارخانه کمپوت‌سازی بزرگمهر	۳۹
در شرکت ایران ناسیونال مشهد چه می‌گذرد ؟.....	۴۵

مقدمه‌ای درباره روز جهانی کارگر

بنا م خدا

و

بنا م خلق قهرمان ایران

واورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض ومغاریها
التي بارکنا فیها ... (سوره اعراف آیه ۱۳۷)
تمام زمین پربرکت خدا، از شرق تا غرب، میراث طبقه مستضعف
(کارگر) است (یعنی طبقه‌ای که به علت ستم و استثمار دیگران
ضعیف شده ولی قدرت رشد و رهایی دارد).
شکوفایی و آسایش زندگی انسانها از آغاز تاریخ تا بحال در
گرو کار و دست رنج زحمتکشان بوده است و آینده نیز در دستهای توانای
آنان شکل خواهد گرفت. از آن هنگام که در جامعه بشری طبقات
استثمارگر و استثمار شونده بوجود آمد، تاریخ مبارزات زحمتکشان
سرشار از قهرمانیها و شهادتهاست و همواره زحمتکشان بیشترین
سهم را در امر تولید و تکامل اجتماعی داشته‌اند، ولی در مقابل
کمترین سهم را از دست‌آوردهای خود برده‌اند و حتی از برآوردن
ضروری ترین نیازهای خود محروم و ناتوان بوده‌اند، از اینرو این
دو طبقه در مقابل هم قرار گرفته و مبارزه‌ای آشتی ناپذیر با هم
داشته‌اند، از زمانی که سرمایه داری بوجود آمد، سرمایه داران به
غارت هستی و حیات کارگران مشغولند و با تکیه بر انحصاری کردن
مالکیت، تکنیک و ابزار، کارخانه‌ها و کارگاهها را تبدیل به
گورستان حیات و آرزوهای کارگران کرده و به مکیدن خون کارگران
مشغولند و امروزه یعنی در عصر سرمایه داری، امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بعنوان عامل اصلی استثمارخلفهای تحت‌ستم در تمامی دوران اقتدار و تسلطش با اصالت بخشیدن بسودجویی و محور پنداشتن منافع خود و با ایجاد یک سیستم ظالمانه و طاغوتی سعی در نابودی همه استعدادها و خلاقیتها و ابتکارات توده‌های محروم دارد و هر روز نقشه‌ای نو در می‌اندازد تا بر تسلط خویش استمرار بخشد و بتواند آزادانه منابع زیرزمینی و حاصل کار زحمتکشان را غارت کند، غافل از اینکه توده‌ها، خالق انقلاب و آفریننده حقایق انقلابیند. و تاریخ بشری قیامها و شورشهای بردگان و دهقانان و کارگران زیادی را بیاد دارد، آنان اگرچه نتوانستند به علت عدم رشد سیاسی و آگاهی کافی از شرایط زمانی خود و نداشتن سازماندهی و تشکیلات (کمبود شرایط ذهنی انقلاب) به پیروزی برسند ولی قیام و عصیان آنها بر علیه وضع موجود نشانه قهرانقلابی و تضاد آشتی‌ناپذیرشان با استثمارگران بوده است.

قیام کارگران شیکاگو در اول ماه مه ۱۸۸۶ در مقابل سیستم سرمایه داری آمریکا یکی از این قیامهاست که بیان مبارزه بخشی از کارگران و زحمتکشان جهان در برابر اجحافات و مظالم سرمایه‌داری و استثمار زحمتکشان است، رشد روزافزون سرمایه‌داری و کارخانجات صنعتی بعد از جنگهای داخلی آمریکا باعث بخدمت‌گرفتن نیروی میلیونی زحمتکشان در خدمت کارخانه داران شد. سرمایه‌داران بر مبنای خصلت عام و ویژگی سیستم سرمایه‌داری برای کسب سود بیشتر، حداقل مزد و حداکثر ساعات کار را در روز برای کارگران تعیین می‌کردند. فشار بیش از حد باعث بوجود آمدن طغیان و شورش و تظاهرات بسیاری بعد از سالهای ۱۸۸۰ گشت، سرمایه‌داران آمریکایی که منافع سرشاری بحیب میزدند حاضر به تقلیل ساعات کار و اضافه دستمزد نبودند تا اینکه کارگران برای گرفتن حق خویش تصمیم به اعتصاب سراسری گرفتند و روز اول ماه مه ۱۸۸۶ را روز اعتصاب عمومی اعلام کردند.

برای اولین بار در تاریخ آمریکا اعتصاب عمومی کارگران باعث تعطیل کلیه کارخانجات سراسر آمریکا گشت، پلیس شیکاگو به عنوان گماشته‌های سرکوب‌کننده پشتیبان سرمایه‌داران به صفوف مصمم کارگران اعتصابی حمله کرده بارگبار گلوله عده‌ای را کشته و زخمی کرد و رهبران کارگران را دستگیر و به جوخه اعدام سپرد. کارگران اعتصابی در آن روز با نثار خون، پیوند خویش را با تمامی محرومان تاریخ بستند و ورق خونین بردفتر تاریخ مبارزات زحمتکشان جهان

افزودند. کارگران مبارز دستگیر شده می دانستند که آنها را فقط به خاطر دفاع از منافع طبقه کارگر محاکمه می کنند، سرمایه داران که تمام دستگاه های دولتی و از جمله دادگاه ها را خودساخته و در اختیار داشتند، کارگران دستگیر شده را به پای میز محاکمه ساختگی خود کشیدند، یکی از کارگران به نام " اشیتس " خطاب به سرمایه داران گفت: " اگر شما تصور می کنید که با دار زدن ما می توانید جنبش کارگران را که میلیونها نفر از زحمتکشان فقیر و ستمدیده نجات خود را در آن می بینند از بین ببرید، مرا دار بزنید، ولی مطمئن باشید که با کشتن ما فقط جرعه ای را خاموش می کنید، شعله های عظیم جنبش کارگری را هیچگاه نمی توانید خاموش کنید. " لینک کارگر ۲۱ ساله نیز در دادگاه گفت: من دشمن ظلم ظالمانه سرمایه داری هستم و تا وقتی که زنده ام با تمام قدرت علیه آن خواهم جنگید، حال مرا بخاطر این موضوع دار بزنید.

بدنبال این کشتارها و اعدام ها موج عظیمی از اعتراضات بلند شد، کارگران و مردم دلیر کشورهای مختلف میتینگها و تظاهرات عظیمی علیه اقدامات ضد کارگری سرمایه داران و دولت آمریکا برپا کردند و بنا به پیشنهاد کارگران سه سال بعد از این واقعه، اولین کنگره جهانی جنبش انقلابی کارگران جهان در ابتدای تشکیلش تصمیم گرفت که روزاول مه را به نشانه این دلاوریها و ازجان گذشتگیها و برای اعتراض به اقدامات ضدکارگری و برای از بین بردن هرگونه ستم و بهره کشی و رهایی از ستم نظام سرمایه داری، روز جهانی کارگر اعلام نماید، از آن تاریخ به بعد زحمتکشان سراسر جهان این روز را به نشانه همبستگی گرامی می دارند.

کارگران میهن مانیز در مسیر شکوهمند مبارزات خونبارشان از این نمونه ها فراوان دارند، چه آنزمانی که پیشروترین افراد این طبقه به جنبش مسلحانه پیوستند و چه آنزمانی که در سیاهترین روزهای دیکتاتوری و خفقان اعتصابات خونین کوره پزخانه ها را براه انداختند و همچنین در اردیبهشت ۱۳۵۰ که کارگران کارخانه جهان چیت کرج برای بدست آوردن حداقل حقوق قانونی خود اعتصاب و تظاهرات براه انداختند. در این روز دژخیمان رژیم بدستور فاتح، استشارکمر کشیف و رئیس کارخانه و عمال ساواک رگبار گلوله ها را بر روی سینه کارگران رزمنده (به هنگام راهپیمائی بطرف تهران در محل کاروانسرا سنگی) گشودند، خون سرخ دهها تن از کارگران دلیر اسفالت جاده کرج - تهران را رنگین ساخت و یادشان و راهشان را دردل یارانیشان جاودانه کرد، طنین صدای کارگران جهان چیت و هزاران کارگریکارگر دیگر را در اعتصابات یکپارچه کارگران دلیر صنعت نفت شنیدیم و

دیدیم که با عزمی آهنین و ایمانی راستین با مبارزه خونبار و
اعتمادات فلج کننده خود قیام ملت ایران را شکوهی دیگر بخشیده و
نقش تعیین کننده را بعهده گرفتند و بار دیگر سازش ناپذیری خود را
در راه نفی استثمار به اثبات رسانیدند.

خواهران و برادران کارگر: امروز در مرحله حساس و خطیری
از حرکت انقلابی خود هستیم و ضرورت تداوم انقلاب ضد امپریالیستی را
بخوبی لمس می کنیم ، سرمایه داری در عالی ترین شکل خود یعنی
امپریالیسم جهانی ، چشم طمع به کشورهای توسعه نیافته به خاطر
غارت منابع مواد خام و نیروی ارزان کارگران و ایجاد بازار مصرف
و پیدا کردن مناطقی برای صدور سرمایه گذاری دوخته است و برای
، ایسته کردن هرچه بیشتر کشورهای زیر سلطه به تراکم و تمرکز تولید
ایجاد انحصارات چندملیتی و به کار بردن تکنولوژی پیچیده پرداخته
تا با یکپارچه کردن نظام سرمایه داری در سطح جهان خلقهای تحت ستم
به آسانی نتوانند خود را از یوغش برهانند، اما بهر صورت جنبش
خلق قهرمان ما منافع امپریالیسم را در منطقه به خطر انداخته است
جنبشی که هرچه طبقه کارگر یعنی بازوان راستین و توانای انقلاب در
آن فعالتر شرکت کنند به پیروزی نزدیکتر خواهد شد. اما هم اکنون توطئه
های امپریالیستی با دامن زدن به تضادهای درون خلقی سعی در منزوی
کردن نیروهای انقلابی به اوج خود رسیده است. عملکردهای ارتجاعی
مانند برگرداندن سرمایه داران و تثبیت موقعیت آنها و ابقاء قوانین
ضد کارگری و تجدید، سازمان حفاظت تحت عنوان نیروی ویژه و یا تجدید،
سازمان ساواک و اداره ضد اطلاعات (رکن ۲) تحت نام... و دهها
نمونه دیگر گواهی است بر این مدعا. اما بدون حفظ تداوم مسیر
راستین انقلاب - که همان خطوط ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی ، ضد
استثمار است - و کیفیت بخشیدن و عمق دادن به آن بدون اتکاء به
کارگران و حفظ حالت بسیج مردم نمی توان حرف از مبارزه با
امپریالیسم زد. این است که علیرغم کسانی که انقلاب را پایان
یافته اعلام می کنند تا به میوه چینی و تقسیم غنائم برخیزند ما
همچنان می گوئیم که انقلاب را نباید پایان یافته تلقی کرد. هنوز
پس از یکسال از گذشتن انقلاب نهادهای بنیادی و اساسی سلطه امپریالیسم
بر میهن مان پابرجاست. هنوز دگرگونیهای بنیادی در بنیادهای
اقتصادی - اجتماعی صورت نگرفته است، هنوز ارتجاع وسیله خوبی
در دست غارتگران سرمایه دار می باشد. بسنده کردن به انقلاب سیاسی
کافی است تا ما را به سرنوشت کشورهای بی چون مصر و اندونزی و غنا و
..... دچار سازد.

کشورهائی که نخواستند موضع قاطعی در مقابل

بهره‌کشان و سرمایه‌داران بگیرند و نتوانستند که حقوق زحمتکشان را به‌خودشان برگردانند، بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال دوام نیاوردند و می‌بینیم که میراث‌خوار تمام میتینگ‌ها، حنجره‌چاک‌کردنها و در خیابان راه افتادنهای زمان ناصر انورسادات‌خائن است. استقلال سیاسی بدون دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی حرفی است بوج، اینرا تجربه‌ها می‌گویند، این را تجربه علی (ع) که از دیدگاهش انقلاب اینچنین تعریف میشود می‌گوید:

لتبلیلن بلبله و لتفربلن غربله و لتساطن سوط القدر

حتی بعود اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم .

در زلزله انقلاب (چونان دیوارهای گلین) بهم‌میریزید

و غربال میشوید و در دیگ جوشان انقلاب می‌جوشید تا

عناصر مثبت و سازنده به سامان آیند، تا بر مبنای

صلاحیت‌ها فرو افتادگان به‌روآیند و بالاییان به‌زیرافتند

تجربه ۲۵ سال تحول بعد از جنگ جهانی دوم، تجربه کشورهای آفریقا

آسیا، آمریکای لاتین و... تمامی اینها تاییدکننده این است که

ادامه انقلاب باید با اتکاء به زحمتکشان و بسیج آنها و در جهت

نفی هرگونه استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان و پیاده کردن

قانون حیاتبخش "لیس للانسان الاماسعی" باشد. جمع بندی تجربیات

دو راه پیش‌پای ما میگذارد، یا ادامه انقلاب، یا سازش با

امپریالیسم و دوباره زیر اسارت رفتن، ادامه انقلاب ضدامپریالیستی

فقط با اتکاء به نیروی لایزال خدا و خلق و با تکیه بر طبقات

محروم و زحمتکش امکان پذیر است. حضرت علی (ع) در نامه‌اش خطاب

به مالک اشتر و در واقع به تمام انسانها نحوه صحیح برخورد با

تفادهای اجتماعی و برخورد با توده‌های مردم و بخصوص مسئله طبقات

موجود در جامعه را یاد آوری می‌کند:

وانما عمودالدین و جماع المسلمین والعهده للاعداء العامه من

الامه، فلیکن صغوک لهم، و میلک معهم.

آن طبقاتی که تو می‌توانی بر آن تکیه بدهی و از نیرو و

توانش (در جهت تکامل اجتماعی) استفاده کنی اکثریت جامعه و رعیت

است که در ضمن محرومترین طبقات هم می‌باشد و ما امروز میثاق

خویش را با خون سرخ شهیدان بخون خفته تجدید کرده، ضمن

گرامیداشت روز پرشکوه کارگر همصدا با خلق قهرمان ایران و

تمامی زحمتکشان و بنا بر مسئولیت خطیرمان با خدا و خلق پیمان

می‌بندیم که تا فروریختن کلیه مظاهر امپریالیستی و نفی بهره‌کشی

و رهایی بشریت بطور جهانی از هرگونه قید و بندی که مانع تحقق و

بروز استعدادهای عالیہ آوست و تا زمانیکه جامعه بشری در مسیر تکاملی خویش بر جانب یگانگی کامل انسان با حاصل کارش ، با طبیعت ، با خودش و با کل هستی قرار نگرفته تا آخرین نفس از پای ننشینیم و در آخر سخنی از گل سرخ انقلاب مهدی رضائی را بیاد می آوریم که در بیدادگاه محمدرضای خائن گفت : " هدف ما چیزی جز بهروزی خلق ، جز درهم شکستن هرگونه روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم انقلابی اسلام در جامعه نیست . جامعه آزاد ، بی طبقه و توحیدی جامعه ایده آل ماست . "

هرچه پرشکوهتر باد روز جهانی کارگر یادآور مبارزات بحق
زحمتکشان جهان
نابود باد کلیه مظاهر امپریالیستی ، ارتجاعی و استثماراری
در اهتزاز باد پرچم خونین انقلاب رهایبخش توحیدی

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد

مبارزه ضد امپریالیستی بدون انکاس به زحمتکشان
کارگر و دهقان امکان ندارد .

خلاصه ای از وضعیت کارگری در شهر مشهد

در یک تقسیم‌بندی کلی شاید بتوان کارخانجاتی را که در مشهد وجود دارد به دودسته کلی کارخانجات دولتی و خصوصی تقسیم کرد (جز در چند مورد که سهام مشترک دارند).

آندسته از کارخانجاتی که وابسته به بخش خصوصی هستند خود به دو دسته صنعتی و سنتی تقسیم میشوند، این کارخانجات طیف وسیعی از کارگران را در برمی‌گیرد، کارگرانی که در آنها کار می‌کنند اکثراً افرادی بسیار ساده و بی‌سواد هستند، ولی در بین آنها کارگران نسبتاً "آگاه" و پیشرویی نیز دیده می‌شود که تعداد آنها بسیار کم است. کارگرانی که در بخش سنتی کار می‌کنند، عموماً "در سطح شهر و حتی روستاهای اطراف پراکنده می‌باشند و اکثراً در کارگاههای چند نفری کار می‌کنند، کارگرانی که در محیطهای صنعتی و نیمه‌صنعتی متمرکزند کم هستند و حداکثر تعداد آنها در یک کارخانه ۱۰۰۰ نفر و حداقل آن حدود ۵۰ نفر است ولی عمدتاً تعداد این کارگران در هر کارخانه بین ۴۰۰ تا ۲۰۰ نفر است، تعداد کارخانه‌های این بخش کم است، و عمدتاً تازه‌کار و جوان هستند، و بهمین دلیل کارگرانی نیز که در آنها کار می‌کنند مدت زیادی نیست که روستاها را ترک و به شهرها کوچ کرده‌اند، تعداد زیادی از این کارگران هنوز وقتیکه ساعت کارشان به پایان میرسد با موتور و وانت راهی روستا میشوند و حتی در پاره‌ای موارد تکه زمینی هم دارند که در روستا روی آن کشت و کار می‌کنند، مسئله مهم در این شیوه زندگی یعنی در روستا ماندن این است که این نوع کارگران نمی‌توانند خود را از فرهنگ سنتی حاکم بر روستاها رها کنند و از طرفی به دلیل پایین بودن سطح آگاهی در روستاها و نبودن امکانات شهری از قبیل، روزنامه، رادیو تلویزیون و مراکز دیگر خبری و عدم وجود مراکز فرهنگی مثل دانشگاه و صورت نگرفتن فعالیت‌های سیاسی از طرف گروههای پیشتاز و حاکمیت ارتجاع و همچنین بالابودن نسبی دستمزد در کارخانه‌ها نسبت به روستاها و مسائلی از این قبیل و همچنین نداشتن سابقه مبارزاتی بصورت حرکتهای جمعی و سندیکایی و یا اعتصابات بدلیل نویی این کارخانه‌ها (در سیستم گذشته) و ... باعث شده که کارگران

آنطور که باید و شاید فرهنگ و ویژگیهای کارگری را پیدا نکنند در نتیجه آگاهی طبقاتی آنها نسبت به شهرهای صنعتی پائین است، از سوی دیگر فشار بیش از حد کارفرما و ایجاد خفقان و جو وحشت در کارخانهها و آوردن ژاندارم و تهدید به بردن به ساواک (با استفاده از ناآگاهی کارگران) باعث میشده که آن تعداد از کارگران هم که می خواستند حرکتی بکنند، عمدتاً "این توانائی را نداشته باشند اما دسته دیگر کارخانهها که شامل کارخانجات و کارگاههای دولتی هستند تا حدی با وضعیت دیگری درگیر می باشند که البته تعداد این کارخانجات در مشهد زیاد نیست و طبعاً "کارگرانی هم که در این قسمت کار می کنند کم هستند، ولی آنچه هست این است که اکثراً "ساکن شهرها بوده و از مزایای شهری استفاده می کنند و بهمین لحاظ دارای آگاهی نسبی می باشند، همچنین بدلیل استفاده از امکانات حقوق دولتی تا حد کمتری درگیر مسائل صنفی و حقوقی بوده و وقت بیشتری برای وارد شدن به مسائل سیاسی را دارند.

بعد از شروع انقلاب و بالارفتن پتانسیل انقلابی جامعه کم کم کارگران نیز وارد این حرکت خلقی شدند و با اعتصابات سراسری در نهایت ضربه خود را به پیکر رژیم وابسته به امپریالیسم زدند، در این زمینه (گذشته از حرکت های فردی) محیط های کارگری در شهر مشهد تقریباً " در اواخر قیام حرکت های خود را شروع کردند، بیشتر این حرکتها حدود شهرپور و مهرماه به بعد بود که عمدتاً "خواستهای صنفی را مطرح میکردند، و بیشتر آنها نیز خواسته های خود را گرفتند اما ادامه حرکت بعد از قیام بیشتر در شکل حرکت های شورایی خود را نشان می داد، کارگران که خیال می کردند می توانند حرکت انقلابی خود را در جهت انقلاب در این شکل ادامه دهند شروع به تشکیل شوراهای کارگری نمودند، ولی از آنجائیکه سیاست کلی دولت وقت نمی توانست این چنین شکل صنفی - سیاسی کارگران را که نهایت خشن از بین بردن هرگونه بهره کشی بود تحمل نماید به طرق مختلف سعی در از بین بردن این تشکیلات نمودند خصوصاً "از طریق بدبین کردن کارگران به شوراها و انداختن تضاد بین شوراها و کارگران و بازدن مارکهای مثل منافق و کمونیست و ضدانقلاب و.... که عمدتاً "این کار با همکاری سرمایه دارها و کارفرماها و نمایندگان حزب حاکم که با عوامفریبی سعی در تحمیق توده های کارگر داشتند انجام میشد، مسئله دیگر آشنا نبودن خود شوراها با مختصات و وظایف و محتوای یک شورای کارگری بود که چون آموزشهایی هم در این زمینه داده نمیشد در نهایت باعث کم کاری و یا انحراف و در نهایت انحلال شوراها گردید.

بطورکلی تهدیدی هم که از آغاز، شوراها با آن مواجه بودند یکی همین مسئله انحلال و دیگری حرکت به سوی فعالیت‌های صرفاً " منفی و نه سیاسی بود. تلاشهایی که سعی میشد شوراها را بسمت مسائل منفی‌کارگران سوق بدهند و شوراها هیچ دخالتی هم در امر تولید و توزیع و اداره و مدیریت نداشته باشند و همچنین به آموزش سیاسی و بالا بردن کیفیت آنها نیز توجهی نمی‌شد.

و اما کارگران نیز باید توجه داشته باشند که سرمایه داران و عناصر انحصار طلب و عوام فریب به اتفاق هم دائماً " در حال بررسی و توطئه هستند تا بهر ترتیب شده از حرکت شورایی کارگران و آموزش آنها و پیوستن آنها به سازمانهای انقلابی که حامی منافع کارگران و حمتکشان هستند جلوگیری کنند.

بنابراین وظیفه کارگران آگاه و مبارز است که بهر ترتیبی که سده زمینه‌های آگاهی هرچه بیشتر سایر برادران و خواهران کارگرا فراهم آورند و با تشکیل شوراها و جمعهای غیر مشخص در کارخانه و یا خانه‌هایشان به مطالعه و بررسی وضعیت کارخانه پرداخته و حقوق حقه خویش را بدست آورند و بدانند که در این راه جریانهای اصولی و انقلابی و در رأس آنها موحدین واقعی آنها را تا رسیدن به قله توحید که همان نفی بهره کشی باشد همراهی خواهند کرد.

وَمَا اخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ اَنْ يُعْلَمُوا اَوْ اَعْلَى كِتَابَ ظَالِمٍ وَاَلَا سَعْبٌ مَظْلُومٍ

خداوند از کسانی که به ماهیت این روابط غیر انسانی و مسائل اجتماعی

آگاهی دارند پیمان گرفته است که در مقابل سیری ظالم و

گرسنگی مظلوم ساکت نباشند. تفسیر خطبه ۲ حضرت (ع)

گزارشی از کارخانه قند فریمان

این کارخانه توسط لهستانی ها در سال ۱۳۳۷ تاسیس شده است ولی قطعات الکتریکی و دستگاههای جدید آن آلمانی می باشد، از نظر تعمیرات و وسایل یدکی به خارج وابسته است. ۶ تا ۷ نفر مهندس لهستانی و انگلیسی در آنجا کار می کنند که وجود این مهندسیان و دستگاههای خارجی نشانگر این واقعیت است که این کارخانه نمیتواند مستقل باشد و با خراب شدن یک قسمت از کارخانه، در صورت نبود لوازم یدکی و مهندسین خارجی، کارخانه از کار می افتد که این مسئله میزان وابستگی کارخانه را به سرمایه داران خارجی و به امپریالیزم نشان می دهد. کارخانه بوسیله فردی بنام ثابت مند با سرمایه ۴۰ میلیون تومان در سال ۱۳۳۷ تاسیس شده است و بعد از مدتی به علت مشکلات مالی سرمایه کارخانه بصورت سهام بفروش میرسد. سهامداران عمده آن ۱۲ نفرند که عمده ترین آنها حاجی باقرزاده، گرجی، کاظمی و ترخانی می باشند.

کارگران در این کارخانه به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- کارگران دائمی رسمی ۲- کارگران دائمی غیر رسمی ۳- کارگران فصلی (موقت) . تعداد کارگران حدود ۲۵۰۰ نفر است که از این تعداد ۳۰۰ نفر آنها رسمی و ۲۰۰ نفر دائمی غیر رسمی و بقیه کارگران فصلی می باشند.

کارگران دائمی بیشتر سرپرست بخش ها و یا در قسمت تعمیرات کارخانه مشغول بکار می باشند و هر سال حدود ۱۵-۱۰ نفر از کارگران رسمی می شوند.

کار عمده کارخانه بخاطر وجود چغندر، درش ماه از سال (پاییز وزمستان) است و شش ماه بعد به بازسازی و تعمیر دستگاهها

و پیاده و سوار کردن و روغنکاری دستگاهها می گذرد که این کارها توسط کارگران دائم انجام می گیرد و کارگران موقت بعد از تمام شدن چغندر به بنایی و عملکی میروند و یازمینی را اجاره می کنند و در آن به کشاورزی می پردازند و گاهی هم به کارخانه های شمال مثل چوب ببری و نئوپان میروند.

این کارخانه از پنج طبقه تشکیل شده است که قسمت بارگیری چغندر و خاک گیری و شستشوی چغندرها در فضای باز انجام می گیرد و قسمت داخل کارخانه مخصوص رنده کردن و کوبیدن و شیره کردن چغندرها و در نهایت قندسازی و شکرسازی است. فضای داخل ساختمان تاریک و پر از هوای چغندر و شیره چغندر است و کف ساختمان از قشر ضخیمی از شیره چغندر برنگ سیاه، چسبان و سخت پوشیده شده است و به علت حرارت زیاد شیره چغندر، هوای داخل ساختمان گرم و تنفس در آن مشکل میباشد کارگران می گفتند ما به این هوا عادت کرده ایم، گذشته از آن برای تامین زندگی بخور و نمیرمان مجبور هستیم که در اینجا کارکنیم.

تهیه شکر در طبقه اول و دوم و قندسازی در طبقه سوم است در این قسمت از کارخانه (قندسازی) شیره چغندر را در قالبها می ریزند و قالبها توسط کارگران فن دکوب محکم می شوند و وارد قسمت سردخانه می شود بعد قالبها به قسمت دیگر حمل می شوند و درون دیگها قرار می گیرند و بعد از خشک شدن از دیگ تخلیه و از قالب خارج میشوند در قسمت قندسازی اغلب کارگران فصلی هستند. کارگران شیره ریز که مسئول پر کردن قالبها هستند اغلب از حرارت زیاد دستگاه و کار مداوم پای دستگاه و فضای کثیف داخل کارخانه ناراحت هستند و بیشتر کارگران این قسمت را افراد مسن تشکیل می دهند با اندامی باریک و نحیف و دستهای قوی و صورت چروکیده و عرق کرده.

در قسمت قندگیری ۶ نفر مشغول بکار هستند که باید قالبهای ۵ کیلوئی قند را درون دیگ قرار بدهند. در این قسمت حدود ۱۰ دیگ وجود دارد که در هر دیگ ۴۵۰ قالب باید جایگزاری شود و هر کارگر در مدت کار خود ۲۱ بار دیگ را پر و خالی می کنند که البته قبلاً ۱۵ بار دیگ را پر و خالی میکردند.

نحوه خرید چغندر به این صورت است که کارخانه در ابتدای کاشت چغندر، مقداری وام به زارع می دهد و پس از جوانه زدن وام دوم، و پس از تحویل دادن چغندر به کارخانه بقیه پول پرداخت میشود مقدار خوراک کارخانه در روز ۲۵۰۰ تن و میزان تولید آن ۴۰۰ تن تنند می باشد، البته چغندر قند به نسبت عیار قند موجود در آن خریداری می شود و معمولاً "هرتن چغندر قند با عیار ۱۶٪ به قیمت

۴۰۰ تومان و با عیار ۲۷٪ به قیمت ۷۰۰ تومان خریده می شود البته بیشتر چغندرهای عیار ۱۶٪ دارند. تفاله چغندر برای استفاده دام به فروش می رسد تفاله تر، تنی ۷۰ تومان و تفاله خشک چغندر تنی ۴۰۰ تومان فروخته می شود بطوریکه فقط درآمد حاصل از فروش تفاله دستمزد کارگران را تامین می کند. کارخانه بطورشبانه روزکار میکند و کارگران در شیفتهای ۱۲ ساعته از ۶/۵ صبح و ۶/۵ بعدازظهر مشغول بکار می باشند. میزان حقوق کارگران قبل از قیام ۲۲ بهمن ۲۵ تومان بوده که بعد از پیروزی به ۵۷۴ ریال می رسد این حقوق برای ۸ ساعت کار در نظر گرفته شده است در صورتیکه تقریباً ۱۲ ساعت کار می کنند و کارگران می گفتند حق ما بیشتر از اینهاست یعنی این حقوقی است که می بایست کارگر بدون سابقه در وهله اول استخدام در ازای ۸ ساعت کار بگیرد نه ۱۲ ساعت کار آنهم کار طاقت فرسا.

با توجه به اینکه کارگران مجبور به اضافه کاری هستند (در روز ۱۲ ساعت کاری کنند). می بایستی بعد از ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شوند، در صورتیکه هنوز بازنشسته نشده اند و با بدنی فرسوده شدیداً تحت استثمار و حشانه قرار می گیرند.

حق بیمه کارگران ۲۰٪ است که ۱۳٪ آن را کارخانه و ۷٪ باقیمانده را کارگر میدهد مثل اغلب کارخانه ها.

اکثر کارگران از وضع بیمه اظهار ناراضی می کردند و میگفتند چرا ما باید ماهی ۴۰۰ - ۳۰۰ تومان پول بیمه بدهیم و هر دوسه ماه یکبار دو تا گج (قرص) بمان بدهند.

کارگران اغلب از کمردرد می نالیدند، کاری می گفت با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۷۰ سال سن، سال قبل پس از اتمام فصل کار بخاطر کمردرد که چرک کرده بود ۱۵ هزار تومان خرج کردم و بیمه حاضر به پرداخت آن نشد چون بیمه ما تا سه ماه بعد از فصل کار (چغندر) اعتبار دارد.

کارگر دیگری می گفت دو سال است که اینجا کار می کنم سال پیش تمام ماهها را کار کردم ولی برای یک ماه من را مجبور به ترک کارخانه کردند تا رسمی نشوم، زیرا صاحب کارخانه حاضر به رسمی کردن ما نیست.

مسئله ای که قابل توجه می باشد اینست که در مقابل فشار کارگران جهت فریب آنها گفته بودند کارخانه ملی است در حالیکه کارخانه توسط سهامداران اداره می شود و با اینکه به استثمار خود واقف

بودند ولی می گفتند چون کارخانه مال ملت است تاپای جانمان برای ملت کار می کنیم . سرمایه داران با عوامفریبی و با استفاده از ناآگاهی کارگران مشغول استثمار این طبقه شریف و نجیب هستند . و مشخص می شود که چرا از آگاه شدن آنها و فعالیت سیاسی در کارخانه ها هراس و وحشت دارند . جمعه ها و روزهای تعطیلی کارخانه تعطیل نیست صاحب کارخانه هیچگونه ضمانتی برای برگشت کارگران فصلی به کارخانه نمی کند و با تاخیر کارگران و در صورت عدم نیاز کارخانه اخراج می شوند برای مثال : یکی از کارگران که در قسمت قندگیری و - سانتارپوش کار میکرده یا وجود ۲۰ سال سابقه کار به علت اینکه سر



کارگران آگاه و مبارزمی دانند که مبارزه با امپریالیسم آمریکا جز از طریق مبارزه با استثمار و سرمایه داری وابسته امکانپذیر نیست . ملی کردن صنایع وابسته و ماده سرمایه گذاریهای آمریکا در ایران بنفع زحمتکشان قدمی واقعی در جهت مبارزه با آمریکا است .

فصل به کارخانه نیامده سال بعد او را نپذیرفتند یعنی درحقیقت او را از کارخانه اخراج کردند و هرچه دوندگی کرده به نتیجه‌ای نرسیده است. علت عدم مراجعش به کارخانه بیماریش بوده است و با کارگری که در حین کار از کارگران برای کاندیدای نمایندگی کارگران فعلی امضاء گرفته بود به اتهام اخلال در امور کارخانه اخراج میشود.

خطری که کارگران را تهدید می‌کند استشمام هوای مسموم‌کننده و کثیف کارخانه است، خطر دیگر در قسمت پرتاب و دست‌بند کردن قالبهای فلزی محتوی قند است و در صورت اندکی بی‌توجهی کارگران، احتمال اصابت قالبها به کارگران و صدمه خوردن، وجود دارد.

کارگر موقتی که در حین کار انگشتش را زدست داده بود موقتاً در قسمت نگهبانی ماشین‌ها مشغول بکار بوده ولی بعد از مدتی کارفرما بداد می‌گوید در قسمت اصلی کارخانه (کارهای سنگین) کاربکن و در غیر این صورت از کارخانه اخراج می‌شوی.

کارگر دیگری می‌گفت در قسمت تصفیه آهک در رابطه با گازی که از آن تولید می‌شود و در فضای کارخانه پخش می‌شود چندبار به شورا مراجعه کرده که تهویه نصب‌کنند ولی هنوز جوابی نشنیده ایم این کارگر در رابطه با استثماری که از کارگران می‌شود می‌گفت هیئت مدیره‌ای که در زمان رژیم سابق بدون انجام هیچگونه کاری حقوق کارگران را به یغما و غارت می‌بردند هنوز هم در کارخانه هستند و اگر مخالف منافع آنها صحبت بکنی به اتهام اخلال در کارخانه پرونده درست می‌کنند و سپس اخراج می‌شوی ضمناً "افراد هیئت مدیره حاجی (باقرزاده - ترنجی - مروارید) هستند.

کارگر دیگری می‌گفت هنوز پالان کج‌ها (عناصر ساواکی) در - کارخانه هستند و تزکیه‌ای در کارخانه صورت نگرفته است و سیستم همان سیستم قدیمی می‌باشد.

صاحب کارخانه همراه با سرمایه داران وابسته و اربابان خود به استثمار کارگران ادامه میدهند و هیچگونه توجهی به زندگی رقت‌بار کارگران ندارند.

کارگری می‌گفت ما کارگران اگر پشت هم ردا داشته باشیم و متحد تویم کارهایمان درست می‌شود و حقوقمان را از سرمایه‌داران باز می‌ستانیم. یکی دیگر از کارگران می‌گفت: اگر زمینهای اطراف کارخانه را که از خود کارخانه است به کارگران بدهند که در موقع بیکاری به کشت بیبردازند مشکل بیکاری در موقع فصل خوابیدن کارخانه حل می‌شود.

قبل از قیام بهمن ماه کارگران ۵ نماینده داشتند که تشکیل انجمن کارشناسان را میدادند البته نحوه انتخاب این نمایندگان فرمایشی بود به اینصورت که یک نفر از وزارت کار به کارخانه می آمد و ۵ نفر انتخاب می شدند که البته اینها رابط کار فرما با کارگران بودند تا هر چه بیشتر کارگران را وادار به کار بکنند و از طرفی دیگر منافع سرمایه داران را محفوظ و تثبیت کنند.

بعد از قیام ۲۲ بهمن ماه نیز انتخاب نمایندگان باز به همان شکل قبلی بود، یعنی فردی از اداره کار به کارخانه می آید و نمایندگان را از میان کارگران رسمی انتخاب می کند، ضمناً " کارگران - نمایندگان فعلی را نمی شناسند چون نماینده واقعی آنها نمی باشند کارگران فعلی معتقدند، برای اینکه به حقوق واقعی شان برسند باید از بین آنان دو نفر نماینده انتخاب شوند چون آنها سختی و درد زندگی ما را بهتر از کارگران رسمی درک می کنند.

چندی قبل نیز کارگران بخاطر افزایش دستمزد در جلسه وی کارخانه متحصن شده بودند.

در ادامه متذکر می شویم که تشکیل شوراهای واقعی در کارخانه خواست کارگران می باشد و حمایت از آن را یکی از مهمترین وظایف کارگران دلیر و زحمتکش می دانیم همان شوراهایی که پدر طالقانی درباره آنها می گفت: تنها با تشکیل شوراهاست که آنها که سالها از همه چیز محروم بوده اند، حتی از حق تعیین سرنوشت، یعنی توده ها کارگران، کشاورزان همینها که بیشترین بار انقلاب را بردوش داشتند صلاحیت و توانائی خویش را در بدست گرفتن کارهایشان ثابت کردند، احساس خواهند کرد که در سرنوشت خود شرکت دارند و آنزمانی که چنین احساسی را داشته باشند بدون شک بیاری یکدیگر خواهند شناخت و مشکلات خویش را برای حل کردن بایکدیگر مطرح خواهند نمود و دیگر عوامل ضدمردمی نخواهند توانست صفوف فشرده شان را از هم بپاشند.

تاریخ گزارش: ۲۵ آذرماه ۵۸

حاکمیت شوراهای اتحادیه های واقعی باید در قوانین

برسیت شناخته شوند.

گزارشی از کارخانه سیم الکتریک خراسان

در حدود دو قرن پیش اولین ماشین صنعتی ساخته شد و کارگاههای کوچک نیز همراه با رشد و گسترش صنعت تبدیل به کارخانه شدند و همراه با رشد صنعت و تکنولوژی، طبقه جدیدی در جامعه شکل گرفت بنام طبقه سرمایه دار، این طبقه از کسانی تشکیل شده بود که به دلایل مختلف سرمایه های زیادی از طریق استثمار کارگران اندوخته و با این سرمایه، کارخانه یا کارگاهی را ایجاد کرده بودند، البته انگیزه ایجاد این کارخانه ها چیزی جز کسب سود نبود و از طرفی سود حاصل از کارگاههای کوچک که به گسترش صنعت و کارخانه ها و شروتمند شدن سرمایه داران منجر شد نتیجه دسترنج و استثمار کارگران زحمتکشی بود که صبح تا شام با حداقل دستمزد در بدترین شرایط غیر انسانی کار میکردند.

در ابتدای شکل گیری سرمایه داری به دلیل وجود رقابت آزاد و این اصل که هر کالائی مرغوبتر و ارزانتر باشد مشتری بیشتر داشته و دارد سرمایه داران را مجبور ساخت که انحصاراتی را تشکیل بدهند. (چون در نهایت این رقابت به ضرر استثمارگران تمام می شد) به این ترتیب که چند سرمایه دار که کالای واحدی را تولید می نمودند کارگاهها و کارخانه هایشان را درهم ادغام کردند و تولید و توزیع را در اختیار خود گرفتند در این مرحله است که امپریالیزم شکل می گیرد. بنا بر این امپریالیزم عالیترین مرحله رشد و توسعه سرمایه داری است. در اثر این جریان بسیاری از مراکز کوچک تولیدی یا به مراکز بزرگ پیوستند و یا از صحنه تولید خارج شدند. و از طرفی چون تولیدات سرمایه داری انحصاری افزایش می یافت و از طرف دیگر این تولیدات افزونتر از نیازهای داخلی کشورشان بود، دامنه کارشان را گسترش دادند و در

کشورهای دیگر بازار مصرف ایجاد کردند و از این طریق سود هنگفتی نصیبشان شد. اینها برای ایجاد بازار مصرف بخصوص در کشورهای زیر سلطه دست به اقدامات گسترده‌ای زدند. اقداماتی مانند از بین بردن اقتصاد ملی کشورها و ایجاد اقتصاد تک پایه‌ای و تک محصولی (در ایران بصورت نفت - کوبا متکی به شکر - برزیل متکی به قهوه و الجزایر متکی به انگور) همچنین امپریالیزم آمریکا در این مرحله از رشدش بجای صدور کالا به سرمایه‌گذاری در داخل کشورهای زیر سلطه پرداخت چون در از مدت سود بیشتری برایش داشت که البته راه ورود امپریالیزم برای سرمایه‌گذاری در کشورهای زیر سلطه راهی جز سرمایه‌داری وابسته بمنزله پایگاه طبقاتی امپریالیزم نبود، که در ایران این طبقه بعد از کودتای ۱۳۳۲ با کمک امپریالیزم آمریکا شروع به حیات کرد و در سال ۱۳۴۲ بعد از به اصطلاح اصلاحات ارضی با از بین رفتن فئودالیزم در طبقه حاکم بورژوازی جنبه غالب را پیدا کرده و قدرت را بطور کامل بدست گرفت (فئودالیزم به علت اقتصاد بسته خود نمی توانست سرمایه‌های آمریکایی را جذب کند و بازار مصرف خوبی هم برای کالاهای انحصارات امپریالیزم آمریکا نبود. و از طرفی در مناسبات اقتصادی (بورژوا - ملک) اکثریت نیروی کار مورد نیاز و ارزان در روستاها مشغول بکار است در صورتیکه می بایستی در صنایع وابسته به کار مشغول شود.)

گزارش زیر نمونه‌ای از صنایع وابسته و وضع کارگرانی است که بعد از اصلاحات ارضی در ایران شکل گرفته است :

کارخانه سیم الکتریک خراسان واقع در جاده قوچان است که از تاسیس آن ۱۲ سال می گذرد. صاحب کارخانه شخصی بنام حاج آقا افشار نژاد است که با سرمایه‌ای اندک و ۱۲ کارگر شروع بکار کرد این کارخانه در حال حاضر بزرگترین کارخانه سیم سازی است که ۷۰۰ کارگر در آن مشغول بکار می باشند. وی علاوه بر این کارخانه مدیتر و سهامدار شرکت ایران غرب در تهران و صاحب کارخانه پتوی افشار در مشهد می باشد، مدیر عامل این کارخانه شخصی بنام هاشمی است که شدیداً ضد کارگر است و حتی قبل از قیام از تنبیه بدنی کارگران هم فروگذار نمی کرده است. مدیران بخش‌های مختلف کارخانه عموماً با هم و با صاحب کارخانه (افشار نژاد) فامیل هستند و هر کدام از آنها مقدار کمی از سهام کارخانه را دارا هستند.

مواد اولیه آن پلیمر، مفتول سیم و روغن و از خارج تهیه و مفتول اولیه آن از ژاپن و ماده اصلی روکش سیم ها و بخصوص رنگ آنها از آمریکا وارد میشود و دستگاههای سنگین کارخانه

غالبا" در انگلیس و امریکا هستند ولی چون کارخانه سنگین و استانداردی نیست دستگاههای آن از کشورهای مختلف مثل فرانسه ، ایتالیا و... تهیه شده است و روغن مخصوص این دستگاهها هم از امریکا وارد می شود.

مواد پلاستیکی آن " پلی استر" از کشورهای دیگر و همچنین آبادان تهیه می شود. در روز بازدید ظاهرا" به علت نبودن یکنوع پلیستر کارخانه متوقف شده بود. قبلا" نیز دستگاهها مداوم مشغول کار بودند ولی الان فقط ۴۰ تن مواد اولیه به کارخانه میدهند که مصرف بیش از دو هفته کارخانه نمی باشد. همچنین از ده دستگاهی که در کارخانه بود فقط یک دستگاه کار میکرد و علتش کمبود مواد اولیه بود درحقیقت اگر امپریالیزم این مواد و دستگاهها را به ایران ندهد کارخانه تعطیل میشود.

تولید این کارخانه تهیه سیمهای نازک و روپوشدار و تهیه کابل های برق است که مواد اولیه مفتول سیم توسط کارگران نازک و روکش می شوند و یا تابیده شده و کابل را تهیه می کنند. سرمهندس کارخانه یک نفر انگلیسی است که همزمان با تاسیس کارخانه به مدت سه سال قرارداد کار بسته و سپس ماندگار شده است و این میزان وابستگی تکنیکی کارخانه را به امپریالیزم نشان می دهد. امپریالیزم در کشورهای زیرسلطه همواره چنین عمل میکرد که اگر قسمتی از کارخانه احتیاج به تعمیر داشت یک فرد ایرانی نتواند آن را تعمیر کند و تنها متخصصین امریکایی و ژاپنی و آلمانی و... قادر به تعمیر و رفع اشکالات فنی آن باشند و یا اگر یک قسمت از دستگاه کارخانه از بین برود کشور زیر سلطه ، وسیله یدکی اش را اجبارا" باید از امریکا و ژاپن و انگلیس و یا... بخرد ، در غیر این صورت دستگاه از کار افتاده و دیگر مورد استفاده قرار نمیگیرد.

تعداد کارگران این کارخانه ۷۰۰ نفر است که سنشان از ۱۴ تا ۵۰ سال است و در دوشیفت کار می کنند از صبح تا ۲ بعد از ظهر و شیفت دیگر از ۲ بعد از ظهر تا ۱۰ شب. مواقع، که حجم کار زیاد است (حالت عادی) کارخانه در ۳ شیفت کار میکند یعنی شیفت ۱۰ شب تا ۶ صبح هم به آن اضافه میشود.

بطور کلی حقوق کارگران با مزایا حدود ۲۲۰۰ - ۲۰۰۰ تومان می باشد البته حقوق ۸۰۰۰ تومان هم داشته که مخصوص مهندسين است کارگری میگفت بعد از ۴ سال کار کردن ، ۳۰۰۰ تومان می گیرم که فقط ۳۰۰ تومان به حقوق اولیه ام اضافه شده است .

مسئله ای که کارگران به آن اشاره میکردند اضافه شدن حقوقشان

بعد از قیام ۲۲ بهمن است با توجه به اینکه هزینه زندگی به شکل سرام آوری افزایش یافته است، کارگران هنوز هم برای گرفتن حق و دستمزد واقعی خود تلاش می کنند. کارگران زن هم بسته بندی سیم ها را بعهده دارند و حقوقشان بین ۳۰۰۰ - ۲۰۰۰ تومان است.

کارگران از حداقل امکانات درمانی و بهداشتی بی بهره اند. کارگرانی هم که بیمه عمر هستند و حق بیمه ۷/۵٪ می پردازند وضعیت درمانی مناسبی ندارند. شرکت تعاونی کارگران این کارخانه هم با سود ۵٪ کار میکند، غذا و جای را خود کارگران تهیه میکنند و از غذای سلف سروس نیز بی بهره اند و در این زمینه کارفرمای کارخانه علی رغم خواسته های مکرر کارگران هیچگونه تسهیلاتی را برایشان فراهم نمی کند. کارگران دو طاقت فرمای کارخانه همچنین شرایط کار و سیستم تولیدی و خوفگانی که کارفرما ایجاد کرده اساساً هیچ زمینه ای را برای بالا رفتن آگاهی کارگران باقی نگذاشته و باعث شده که کارگران همدیگر را شناسند و در نتیجه از مسائلی که در کارخانه میگذرد کمتر اطلاع داشته باشند، بدینوسیله کارفرما با سادگی عوام فریبی کرده و قادر است که براحتمی حقوق کارگران را پایمال کرده به استثمار هر چه بیشتر خود ادامه دهد.

تهدید اصلی شوراها در شرایط فعلی، بی محتوی کردن آنهاست:

جریان خاص اعتصاب کارگران در سال گذشته با یک اعتصاب ۲۱ روزه شروع میشود که این جریان با بالا رفتن یکی از کارگران بر روی دستگاه و با صحبت کردن او شروع میشود و خواسته کارگران رابه کارفرما میگوید و بدین ترتیب اعتصاب شروع میشود. روز بیستم یک کامیون سرباز جلوی کارخانه پیاده و مستقر میشوند و کارگران را تهدید میکنند، که همانروز یک عده سرکار میروند و بدین ترتیب عملاً از فردای همان روز اعتصاب شکسته میشود، ولی عده ای از کارگران (۲۰ نفر) که حاضر به کار نشدنند اخراج میشوند.

سرازیام ۲۲ بهمن ماه شورای کارگران در کارخانه ایجاد میشود که این شورا در جهت منافع کارگران عمل میکند، بهمین دلیل پس از مدتی کارفرما و همکارانش با سخنرانی عناصر مرتجع وابسته به حزب جمهوری مانند مهندس صفری مدیرعامل کارخانه ایران ناسیونال ایجاد جو مناسب شورا را مملاتی و تنی چند از اعضاء شورا را اخراج میکند. (بعد از قیام ۲۲ بهمن ماه حدود ۵۰ - ۴۰ نفر از کارگران مبارز را بعنوان ضداثبات از کارخانه اخراج کرده اند.) و پس از آن شورای کارگران زیر نظر کمیته شهر انتخاب میشود که یکی از کارها بسش

بنماینده‌گی از طرف کمیته کنترل کارگران و کنترل اعلامیه‌ها و پوسترهای نصب شده در کارخانه است.

یکی از کارگران میگفت از طرف بخش کارگری مجاهدین افرادی به کارخانه می آمدند و همداش از آمریکا و حقوق کارگران و اینها صحبت می کردند، بعد از مدتی که این مسئله بگوش کارفرما رسید ، هر هفته یک طلبه‌ای را به کارخانه می فرستند تا بر علیه مجاهدین و به نفع سرمایه دار برای ماصحبت کند.

از یک کارگر عضوانجمن اسلامی سؤال شد چه پوسترها و اعلامیه‌هایی در این کارخانه تبلیغ میشود؟ در جواب این سؤال گفت: " فقط آنهاییکه اسلامی! هستند و فقط حزب جمهوری اسلامی را می آوریم و گاهی هم نماینده‌های شورا آنها را می آورند و گروههای دیگر حقوق فعالیت ندارند چون می خواهند توطئه کنند."

ضمناً " دو پوستر سانسور شده از سازمان مجاهدین خلق ایران نیز دیده میشود.

یکی از کارگران پرسید: ناوگان آمریکا آیا به خلیج فارس آید یا نه؟ گرچه میدانم آمریکا از این ژست‌ها زیاد میگیرد. ولی کاری نمی تواند بکند. در جوابش گفته شد ، شاید حمله کند و او میگفت: حمله بکند، اشکالی ندارد، ما همیشه برای آزاد شدن از زیر سلطه آماده کشته شدن و شهادتیم .

کارگران با داشتن آگاهی و تشکل در شوراهای واقعی می‌توانند حقوق از دست رفته خود را باز پس بگیرند و سدمحکمی در مقابل استثمارگران و سرمایه داری وابسته باشند و در صورت تأیید شوراهای واقعی و ملی کردن صنایع وابسته است که میتوان یایگاههای نفوذ امپریالیسم را از بین برده و همچنین در اینصورت است که کارگران در تولید ملی نقش فعالی خواهند داشت و آماده و بسیج شده در مقابل امپریالیسم آمریکا . چه مبارزه ضد امپریالیستی جز از طریق ملی کردن صنایع وابسته و قطع نفوذ آنها و اتکا به زحمتکشان جامعه شعاری بیش نخواهد بود.

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی در کارخانه‌ها و اتحادیه

شوراهای سراسری

تاریخ گزارش: آذرماه ۱۳۵۸

اداره امور کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی و... باید
با مشارکت شوراهای اداره شود.

گزارشی از کارخانه قند آبکوه

کارخانه قند آبکوه در جاده فردوس نزدیک مشهد واقع شده است و یکی از قدیمیترین کارخانه‌های قند ایران است این کارخانه جزء مستقلات آستان قدس رضوی است، پس از انقلاب توسط مدیر عاملی که از طرف آستانه تعیین شده اداره میشود.

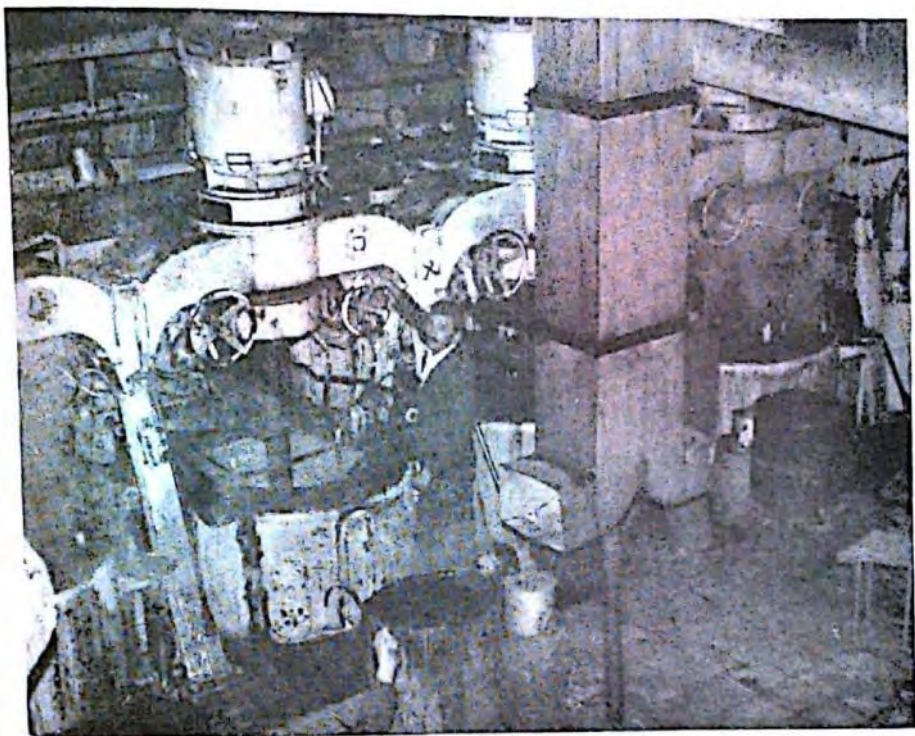
کارخانه در سال ۱۳۱۶ توسط فرانسویها تاسیس شد و سپس توسط شرکتهای مختلف دستگا‌ه‌های دیگری به این کارخانه اضافه شد، ظرفیت کارخانه توسط انگلیسی‌ها به ۱۰۰۰ تن و بعداً " توسط بلژیکی‌ها تا ۲۵۰۰ تن افزایش یافت . این کارخانه از ۴ طبقه درست شده است ، وجود ماشین‌های خارجی و لوازم یدکی و حضور متخصصین خارجی برای تعمیر دستگا‌ه‌ها حکایت از وابستگی این کارخانه به بلوک امپریالیسم می‌کند، بعنوان نمونه قسمتی از کارخانه به علت خراب شدن بلبرینگ و یاتاقان مدتها خوابیده بود و تعداد ماشین‌های تهیه شکر نیز که ۴ تا بود، ۲ عدد آن به علت خرابی تعطیل شده بود. در حدود ۴ یا ۵ سال قبل سهام آن به آستان قدس واگذار شده است که در زمان شاه خائن این کارخانه زیر نظر ولیان مزدور استاندار خراسان اداره میشده است، هم اکنون زیر نظر آقای طیبی قرار دارد و مدیر عامل آن فسردي بنام مهندس وجدانی است. بجز این کارخانه ، کارخانه‌های قند تربت و چناران نیز در مالکیت آستان قدس می‌باشد، تولید روزانه کارخانه ۱۲۰۰ تن شکر و ۸۰۰ تن قند می‌باشد. از هر ۲۰۰ کیلو چغندر ۱۰۰ کیلو شکر تهیه میشود. با توجه به اینکه ماده اولیه این کارخانه چغندر قند می‌باشد، کارخانه لیزتازمانی که چغندر قند وجود دارد کار می‌کند یعنی حدود ۵ ماه از سال (از اول مهر تا اسفند) در این مدت کارخانه شبانه روز کار می‌کند، ساعت کار کارخانه بدوشکل است، عده‌ای از

کارگران ۱۲ ساعتی هستند و گروهی نیز سه‌شفتی و ۸ ساعتی می‌باشند کارگران ۱۲ ساعتی چهار ساعت اضافه‌را، اضافه‌کار می‌گیرند و بخاطر همین موضوع بسیاری از کارگران ۸ ساعتی برای گرفتن حقوق بیشتر و اضافه‌کار حاضرند ۱۲ ساعتی بشوند، تعداد کل کارگران کارخانه حدود ۱۰۰۰ نفر است که حدود ۹۰۰ نفر آنها فصلی و موقت می‌باشند کارگران این کارخانه به سه دسته تقسیم میشوند: ۱- کارگران دائمی کارگرانی هستند که از نظر قانون استخدامی، رسمی هستند. ۲- کارگران احتیاط کارگرانی هستند که بطور دائمی مشغول بکار می‌باشند ولی از نظر قانون استخدامی رسمی نیستند. ۳- کارگران موقت و فصلی کارگرانی هستند که در فصل بهره برداری کارخانه بکار گرفته میشوند، یعنی ۵ تا ۶ ماه از سال را در کارخانه بکار اشتغال دارند و بقیه سال را عموماً "بیکار" هستند. میزان حقوق کارگران قبل از انقلاب حدود ۳۰ تا ۳۵ تومان بود که در اثر مبارزات کارگران به (۵۶۷ ریال) افزایش یافته است که البته با توجه به تورم و گرانی روز افزون اجناس کفاف زندگی بخور و نمیر کارگران را نمی‌کند در زمان رژیم منحط پهلوی این کارخانه سندیکائی داشت با سه نماینده که طبق روال سابق سندیکاها طرفدار کارفرما و مدافع حقوق آنها و ضد کارگر و در نهایت مورد تائید ساواک بودند، این سه نماینده بعد از انقلاب رنگ عوض کرده و سنگ اسلالم و مسلمانی را به سینه می‌زنند و مدیرعامل نیز از آنان حمایت می‌کند تا حدی که چهارپایه ترفیع حقوق به آنها داده است. کارگران به محض اطلاع از این جریان اعتراض می‌کنند تا اینکه مدیرعامل مجبور میشود ترفیع را پس بگیرد. بعد از انقلاب یابی گیری مبارزه توسط کارگران، سندیکا منحل شده و شورای کارگری تشکیل میشود که از میان اعضاء شورا یکی از آنها تا حدودی طرفدار کارگرها بوده و از منافع آنها دفاع میکند، اخیراً "به علت درگیری که بخاطر دفاع از منافع کارگران داشتند می‌خواستند او را اخراج کنند، که جریان از این قرار بوده که عده‌ای از کارگران برای گرفتن حق مسکن و بیمه و ... نزد یکی از اعضای سندیکای قبلی می‌روند، فرد مزبور بخیال اینکه کارگران از طرف این نماینده تحریک شده‌اند قصد کتک زدن نماینده را می‌کند که کارگران جلوی او را می‌گیرند و در همین رابطه مدیرعامل از کمیته تقاضای دو نفر پاسدار مسلح برای کارخانه میکند که هم‌اکنون دو نفر پاسدار مسلح در کارخانه مستقر می‌باشند. در ضمن مدیرعامل فعلی در گذشته رئیس کارخانه‌های مختلف قند در ایران بوده است (قند شیرین چناران - شیروان - اقلیم فارس - رضائیه - تربت حیدریه و تربت جام). چندی قبل روسای کارخانه، نامه بلندوبالائی بنام کارگران

نوشته و در نظر داشتند آن را برای اداره کاربرستاند، متن این نامه این بود که ما کارگران، نماینده شورا (از جمله آن نماینده طرفدار کارگر) را نمی‌خواهیم، زیرا نامه راهم خودشان امضاء کرده بودند، یعنی از نظر ما هم گذشته است. کارگران از این جریان با خرمی‌شوند، شبانه نامه را پیدا کرده و پاره می‌کنند.

بعضی از کارگران موقت می‌گفتند که حدود ۱۵ سال یا بیشتر است که در اینجا کار می‌کنیم هنوز رسمی نشده‌ایم کسانی هستند که تازه آمده‌اند ولی چون پارتی دارند و با روسای کارخانه آشنائی دارند رسمی و دائمی شده‌اند. اختلاف بین مزایای کارگران دائم و موقت فوق‌العاده محسوس است و سرمایه داران با دادن زدن به این اختلافات سعی می‌کنند از اتحاد و تشکل کارگران جلوگیری نمایند که متأسفانه هم‌اکنون نیز این مسائل بشدت مطرح است عده زیادی از کارگران از وضع حقوقی، نداشتن حق اولاد - بیمه و نداشتن نهارخوری ناراضی‌اند و می‌گویند ما بخاطر انقلاب حاضریم همه‌گونه سختی را تحمل کنیم ولی وقتی می‌بینیم که مدیرعامل و روسای کارخانه حق ما را می‌خورند دیگر نمی‌توانیم اعتراض نکنیم. مثلاً "یکی از معاونان مدیرعامل با پول کارگران برای زن و بچهاش سرویس رفت و آمد گرفته تا آنها را به محل کارشان برساند و هر روز یک کارگر را برای اینکار می‌فرستد، این آقایان خودشان راحت زندگی می‌کنند در حالیکه ما چیزی برای زندگی کردن نداریم، همین آقای معاون، کارگران را آدمهای بی‌فرهنگ و پرتوقع می‌داند. کارگران از خود می‌پرسند از این کارخانه و دهها کارخانه امثال آن که از پول نذورات و از خون دل مردم و دسترنج و استثمار و حشانه کارگران ساخته شده است چگونه استفاده میشود و عواید و درآمد آن به کجا می‌رود؟ در صورتیکه کارگران این کارخانه برای تامین حداقل معاش در بدترین شرایط کار فاقد هرگونه وسایل ایمنی و بهداشتی به کار طاقت فرسا مشغولند و حتی تعداد بیشماری از کارگران ۹ ماه از سال را بیکار رند.

در بین کارگران این کارخانه میزان بیماری و نقص عضو (بعلت فقدان وسایل ایمنی و بهداشتی) زیاد است. یکی از کارگران میگفت "مدتی پیش مریض شدم دکتر چهار روز به من استراحت داد، وقتی به کارخانه مراجعه کردم به من گفتند طبق حق بیمه فقط یک روز از چهار روز را می‌توانی استراحت بکنی و از این یک روز هم ۳۰٪ از حقوقت به تو تعلق می‌گیرد، وقتی حساب کردم دیدم احتیاج به پول دارم و از طرف دیگر دوندگی زیادی برای گرفتن ۳۰٪ حقوق یک روزم دارم، بنابراین تصمیم گرفتم با تمام ناراحتی و بیماریم سرکار



برخلاف شما سرمایه‌داران که کالا را جامد و بیجان می‌انگارید، ما در هر قطعه تولیدی وجود حیات انسان را متبلور می‌بینیم، شما اگر به قالی دستباف زیر پایتان بصورت یک کالا و یک نقاشی بیجان مینگرید مادرلای تار و پود آن و رنگهای زیبایش خون کارگران و دختر بچه‌گان را دیده‌ایم.

از دفاعیات مجاهد شهید سعید محسن
از بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

بیایم تا بتوانم خرج زن و بچهام را بدهم " بلکه در منطق سرمایه‌داران کارگران باید شبانه روز حتی در هنگام بیماری کار نکنند تا آنها را که هیچگاه کار نمی‌کنند بتوانند از بهترین امکانات رفاهی استفاده کنند. این استثمار و تجاوز به ابتدائی‌ترین حقوق کارگران و زحمتکشان است .

روی دیوار کارخانه اطلاعیه‌ای بچشم می‌خورد با این مضمون :
" چون قیمت‌کیسه گونی گران است استفاده از آن مطلقاً ممنوع است و در صورت مشاهده استفاده از گونی ، فرد خاطی جریمه نقدی خواهد شد و در صورت تکرار آن ، از کارخانه اخراج میشود و در پایان از مسئولین تصفیه‌خانه و شکرخانه شدیداً خواستار به همکاری هستیم " بدین ترتیب کارگران موظف هستند برای خواندن نماز و خوردن نهار بر روی زمین های سرد و نمناک بنشینند .
قسمتهای دیگری از درد دل کارگران :

چهار سال است که کار می‌کنم ، قبلاً توی کار کشاورزی بودم روزی ۸ ساعت کار میکنم و ۵۷ تومان حقوق می‌گیرم پیش‌رئیس و مدیر فنی رفتم که این حقوق ما را کفاف نمیدهد ۷ تا بچه دارم که روزی ۷-۸ تومان خرج مدرسه رفتن آنهاست از مدیر خواستم ما را ۱۲ ساعتی بکنند که مقداری حقوقمان زیاد بشود ولی جواب نمیدهد ، ما از زحمت نمی‌ترسیم ، فقط می‌خواهیم خرج بخور و نمیری داشته باشیم تا پیش کسی گردن خم نکنیم .

- ۳۲ سال است در قسمت کوره بخار کار میکنم ، سواد ندارم اهل بیرجند هستم ۵ تا بچه دارم ، خانه ندارم و ماهی ۲۰۰ تومان کرایه خانه میدهم ، در گذشته قبل از اینکه کارخانه جدید درست بشود ، با آتش زغال سنگ کوره را گرم میکردیم و من ۱۰ سال با آتش زغال سنگ مبارزه کرده‌ام ، ۳۲ سال است که هی ازم کار میکشند و هی وعده و وعید میدهند . عید گذشته مریض شدم و بیمارستان رفتم ، بیماری معده داشتم و عمل کردم تا بحال حقوقمان کم بوده ولی حالا بعد از انقلاب ۵۷ تومان شده است . چند وقت پیش که کار کم شده بود رئیس آمد و سه چهار روز کارخانه را تعطیل کرد و ما را بیرون کرد . متمدنی ما پیش رئیس رفت و گفت این کارگر ۳۰ سال است که در این کارخانه کار میکند اگر کار هم نباشد حق دارد که سرکار بیاید ، رئیس گفت برو و ۱۵ روز دیگر بیاید ، بعد که رفتم گفت برو و بعداً " بیا . خلاصه موقعی که بهره‌برداری شروع شد و به کارگر احتیاج داشتند ما را سرکار بردند حالا روحیه‌ام را از دست داده‌ام ، پارتی هم ندارم ، سواد هم ندارم دیگر کار کردن برایم مشکل است .



روی دیوارکارخانه اطلاعیه‌ای بچشم می خورد با این مضمون :
چون قیمت کیسه گونی گران است استفاده از آن مطلقاً ممنوع
است و در صورت مشاهده استفاده از گونی ، فرد خاطی جریمه نقدی
خواهد شد و در صورت تکرار آن از کارخانه اخراج میشود و در پایان از
مسئولین تمفیه‌خانه و شکرخانه شدیداً " خواستار به همکاری هستیم .
این درحالی است که کارگران از حداقل امکانات رفاهی نیز
محرومند و سرپرستان از خریدن حتی یک زیلو برای خواندن نماز و خوردن
نهار خودداری کرده‌اند بدین ترتیب کارگران مجبورند که بر روی زمین
های سرد و نمناک بنشینند .

- من الان ۸ سال سابقه کار دارم ، بیمه درمانی هستم ولی واقعا " به ما نمی رسد ، ۳ یا ۴ بار رفتم پیش رئیس گفتم بابا ما عیال وار هستیم ، ولی توجهی نکرده است . اگر بخواهند پاک سازی بشود و این خائن ها را اخراج کنند تعدادشان زیاد است . ولی ما نمی توانیم حرفمان را شنیم ، هنوز من نمی توانم حرفم را بزنم چون امکان دارد شما الان از اینجا بروید کارت ما را ببینید .

- من باربرم ، این بار ۱۰۰ کیلوئی را بلند می کنم ، مزدما و مزدکارگرهای دیگری است البته با این بار سنگین ، از کارفرما ناراضی هستم ، از مدیر فنی هم همینطور ، می خواهیم از حقممان دفاع کنیم ولی کارفرمانمی گذارد . این دوره و آن دوره طاغوت برایمان یکی است ، من الان ۱۰ سال است که اینجا کار میکنم ، روزی ۱۲ ساعت با حقوق روزی ۵۶۷ ریال من از ۳ تومان دستمزد کار کردم تا الان که اینقدر شده است .

تاریخ : آذرماه ۱۳۵۸

داشتن کاروانی حق همه کارگران است ، بایستی این

حق برسدیت شناخته شود .

گوشه‌ای از اتحاد و همبستگی کارگران در مقابل

سرمایه‌داران وابسته در شرکت آلیاژ مشهد

بدنبال سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا و فرار شاه خائن، توده‌های مبارز همانطور که امام خمینی فرمودند خود را برای انقلابی عظیم تر از انقلاب اخیر آماده می‌کنند، انقلابی که ادامه و دنباله همان انقلاب رهائی بخش انبیاء و رسولان است، این انقلاب می‌رود تا نظام بهره‌کشی و استثمار انسان از انسان را واژگون کرده و درهم‌ریزد، کارگران دلسر و زحمتکش همچنان که در انقلاب اخیر نقش فعالی داشته و نهایتاً "ضربه بزرگ انقلاب را نیز بر پیکر رژیم وابسته وارد آوردند، این بار هم با گامهای محکم و استوار و دست‌ان پر توان و متحد در مقابل سرمایه‌داران و غارتگران مزدور و وابسته نقش تاریخی خود را ایفا خواهند کرد و ضربات کاری را وارد خواهند آورد. موضعگیری یکپارچه کارگران شرکت آلیاژ مشهد در برابر کارفرمای وابسته نمونه‌ای از این اراده و همبستگی است:

شرکت آلیاژ، پیمانکار شرکت ساختمانی بوسار است که برای شرکت خانه‌سازی کار می‌کند، کار این شرکت، ساختن اسکلت فلزی برای ساختمانهاست و تعداد کارگران آن حدود ۷۵ نفر است، پس از قیام ۲۲ بهمن کارگران این شرکت برای تحقق آرمانهای خود شورائی تشکیل دادند، شورای کارگران در راه رسیدن به خواستها و حقوق قانونی کارگران چندین بار به کارفرمای شرکت اعتراض می‌کند، منجمله در مورد تاخیر یکماه حقوق آذرماه، بدنبال این مسائل و برای خاموش کردن ندای حق طلبانه کارگران، شرکت تصمیم می‌گیرد که تعدادی از کارگران را اخراج کند و بدینوسیله با بهانه قراردادن سردی هوا و نبودن کار ۴۰٪ از کارگران را اخراج می‌کند، شورای کارگران در مقابل این عمل ارتجاعی موضعگیری کرده و بدفاع از حقوق قانونی

کارگران میپردازد، کارگران نیز با حمایت یکپارچه خود از شورا پشتیبانی می کنند، ولی کارفرما می گوید: این ۳۰ نفر (که قبلاً اسم آنها مشخص شده) باید اخراج بشوند، دیگران بعنوان مخالف هرکاری می خواهند بکنند، تظاهرات بکنند، الله اکبر بگویند، اینها در مقابل کار پول می دهیم و کسی که کاری نکند پولی هم نمی گیرد. غافل از اینکه اگر ملاک دریافت حقوق، کارکردن باشد، اولین کسی که از گرسنگی باید بمیرد، خود کارفرما باید باشد. بهر حال کارفرما تصمیم می گیرد که جرثقیل ۴۰ تنی شرکت را هم از آنجا خارج کرده و به تهران بفرستد تا از این طریق عملاً "بیکاری ایجاد شود، در ضمن نهان رزوری کارگران را هم تعطیل میکند، کارگران پی به این توطئه می برند و جلوی ماشین تریلی را که برای بردن جرثقیل آمده بود می گیرند و می گویند که حتی نمی گذاریم که یک پسخ از اینجا خارج شود. و در ضمن با تمسعاتی هم که با شرکت خانه سازی میگیرند نظر آنها را هم جلب کرده و مانع از خروج جرثقیل میشوند، کارفرما بدنبال تهدیدات مکرری که می کند، چون خود را در مقابل صف متحد و مصمم کارگران می بیند بناچار عقب نشینی می کند، و بدین ترتیب کارگران یکبار دیگر با اتحاد و همبستگی خود مانع از بشمر رسیدن توطئه ها و عملکردهای ارتجاعی سرمایه داران و غارتگران میشوند. ما موفقیت روز افزون این کارگران دلیر را آرزو مندیم.

تاریخ گزارش: ۵۸/۱۱/۲۰

قطع وابستگی صنایع و پیروزی شوراهای درگرو اتحاد

همه جانبه و انتقال تجارب شوراهای کارگران

به یکدیگر است.

گزارشی از کارخانه کمپوت سازی بزرگمهر

کارخانه در میل کاریز، انتهای خیابان عامل واقع شده است و از ۱۵۰ کارگر حدود ۱۳۰ کارگر آنرا زن و ۲۰ نفر دیگر را مرد تشکیل داده است و کارگران آن نیز فملی هستند و بر حسب احتیاج کارخانه کم و زیاد می شود. محصولات کارخانه انواع کمپوت ها و مرباجات است.

در نظر اول رطوبت و نمداری آن جلب توجه می کند و بعد از آن روستایی رامی بینی که روی نیمکت با صورتهای چروکیده و دست های قاج شده (که ناشی از کار مداوم و مستمر بخاطر پوست کردن میوه ها است) مشغول کار هستند.

در گوشه نمناک دیگری در جواب سئوالمان که چرا ما در روی زمین مرطوب نشسته ای و کار میکنی؟! لا اقل روی نیمکت بنشین میگوید: مادر جان اینطور جعبه بیشتری می توانم بزنم یعنی میوه بیشتری پوست بکنم آخر آنها که روی میز نشسته اند روزی ۱۴ تا ۱۶ تومان میگیرند ولی مزدا ما ۲۰ تومان هم میرسد!

عده ای از کارگران زن جوان در بای دستگاههای ساده اولیه نشسته اند که چون به اصطلاح پشت دستگاه هستند ۲۵ تومان مزد میگیرند از کارگران جوان زن برای کارهای سرپایی استفاده می شود آنها ۱۲ ساعت مستمرا از صبح ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر ایستاده و در ضمن کنترل دستگاه را هم دارند که اشتباهها "بک قوطی بدون میوه یا کمتر و بیشتر رد نشود و یا آب قوطی کمپوت کم و زیاد نباشد.

همینطور که کارخانه را دور می زنیم انبار پشت کارخانه نظرها را به خود جلب میکند، جایی که بچه های کوچک ۷ یا ۸ ساله مشغول زدن اتیکت "کمپوت بزرگمهر" روی قوطی ها هستند بچه هایی که هر کدام یکی دو کلاس بیشتر درس خوانده و یا اصلا به مدرسه نرفته اند!

از چندین کارگر مرد برای کارهای سنگین مثل حمل و نقل و... استفاده می شود که آنها نیز اکثرا "کمر درد و دست درد دارند. چیزی که مشخص است اکثر افراد از خانه های اطراف کارخانه به کار گمارده شده اند و اکثرا "چندسالی است که در آنجا بر حسب فصل های مختلف کار می کنند و اغلب کارگران نیز با هم فامیل و خواهر و مادر هستند ولی از قبل توسط کارفرما به آنها سفارش شده است که

اگر از طرفیک مقام دولتی مثلاً " بهداشت یابیمه به کارخانه آمدند ، بگویند که فقط یک هفته یا ۱۰ روز است که مشغول کارند و در این مورد کارگران خردسال و پیر را داخل انبار مخفی می کنند که در این رابطه در جواب سؤال اینکسکه " مادر چند وقت است اینجائی " گفت :

فقط ۱۰ روز است در صورتی که ۵ سال بود کار میکرد !
کارگران در سطح آگاهی خیلی پایینی هستند و حتی در مواقع انتخابات نمی دانستند که چه اتفاقی و چه مسائلی در جامعه می گذرد و به چه کسانی رای بدهند .

باتوجه به اینکه در بیشتر کارخانه ها شورا تشکیل شده و شوراها بسته به میزان طرفداری از کارگران توانسته اند مقداری از حقوق صنفی و گاهی سیاسی کارگر را از کارفرماها بگیرند و در پاره ای مواقع با اجرای برنامه های فرهنگی باعث رشد و بالارفتن آگاهی کارگران شده اند. در اینجا به علت اینکه کارگران فطری هستند و تمام مدت سال مشغول به کار نیستند و با توجه به منافع کارفرما و پایین بودن میزان آگاهی کارگران تا بحال شورایی در این کارخانه (و همچنین در کلیه کارخانجات کمیوت سازی و فطری) تشکیل نشده است. از انتخابات کارگری که در بقیه کارخانه ها انجام شده عملاً صحبتی نیست و در این مورد کاملاً بی اطلاع و از حقوق اولیه صنفی و سیاسی محروم می باشند.

میتوان گفت تمام کارگران از یادرد، دست درد و بیماریهایی که ناشی از کمبود ویتامین است رنج میبرند و وقتی دکتر را به کارخانه بردیم همه میخواستند هرچه زودتر دکتر آنها را ببیند که مبادا دکتر برود و آنها عقب بمانند. عکس العملشان در مقابل دکتر بیانگر واقعاً " نیاز شدید آنها بود و گاهی می خواستند شانه ما را ببوسند که در این رابطه دفعه اول که ما دکتر بردیم کارفرما میخواست به نفع خودش تمام کرده و آنها را به عنوان دکتر بهداشت جا بزند و قبل از آمدن دکتر هم کارخانه را خوب شستشو کرده بودند که مبادا اشکالی از جانب دکتر گرفته شود.

کارفرما با وجود اینکه از طریق کارمزدی کارگران را استثمار مضاعف می کند با کم کردن یکی از وابستگان خود بعنوان سرکارگر سعی می کند از طریق خود کارگران آنها را کنترل کند، مثلاً اینکه چه کسی دست از کار کشیده و یا مواظب است که کارگران دست از پا خطا نکنند، که به این ترتیب علاوه بر استثمار و فشار بیش از حد به کارگران آنها را در مقابل هم قرار می دهد ولی کارگران آگاه می دانند که این کارفرماست که از آنها در بدترین شرایط کار می کشد و حقوق حق آنها



در جواب اینکه چرا در روی زمین نشسته و کار می‌کنید و بر روی میز
نمی‌روید ، مادری گفت :

مادر جان اینطور جعبه بیشتری می‌توانیم بزنیم ، یعنی میوه
بیشتری پوست بکنیم ، آخر آنهایی که روی میز نشسته اند روزی ۱۴ تا
۱۶ تومان می‌گیرند ولی مزدا ما تا ۲۰ تومان هم میرسد !



سرمایه‌دار برای به بند کشیدن و استثمارکارگر از مذهبش نمی‌پرسد
بارنگ چهره و نژادش کاری ندارد برای سرمایه‌دار فرق نمی‌کند که
کارگر زن است یا مرد، پیراست یا جوان، هندی است یا ایرانی، مصری
است یا پاکستانی، برای سرمایه‌دار نیروی کار کارگرمهم است تا از
حاصل دست‌رنج کارگر هرچه بیشتر ثروت و سرمایه بیندوزد.

را بدانان نمی دهد و کارگران باید بدانند که در سایه اتحاد و تشکلشان در شوراهاى واقعى است که مى توانند حقوق برحق خود را بازپس بگیرند.
درد دل کارگران :

- کارفرما و صاحب کارخانه مى خواهند کارگران همیشه در ناآگاهى بسر ببرند و از باسواد شدن کارگران هراس و وحشت دارند چرا که با بی سواد بودن کارگران منافع خودشان را مى توانند تامین کنند، در همین رابطه یکى از کارگران از کارفرما مى خواهد که به او اجازه بدهد بعضى از روزها را به کارخانه نیاید تا بتواند درس بخواند، کارفرما در جوابش با چهره اى درهم و اخم کشیده مى گوید: توش کلاس درس خواندى بس است مى خواهى چکار کنى، دختر همینقدر سواد خواندن و نوشتن را داشته باشد بس است، الان خیللى از دیپلمه ها بیکار هستند مى خواهى دیپلم بگیرى چکار کنى.

- کارگر دیگری مى گفت رئیس کارخانه برای اینکه خودش را طرفدار کارگران نشان بدهد در ماه رمضان به هر یک از کارگران یک کیسه برنج ۱۰ کیلوئى با یک حلب روغن داد.

- کارگرى در رابطه با دستمزد کم و بالا بودن هزینه زندگى اش مى گفت: چهار سال است که اینجا کار میکنم همش زحمت و فشار و عرق ریختن، آخرش هم قرض داشتن، اصلاً "جرات حرف زدن هم ندارى، نمیدانم با ۱۵۰۰ تومان در ماه چکار کنم؟ نان و گوشت بخرم؟ کرایه خانه بدهم؟ شیرخشک برای بچها م بخرم؟ که وقتى هم حرف میزنى مى گویند ضدا انقلابى خرابکاری، یکدفعه با کارگرى درد دل میکردم از سختى ها و فشارهاى کار مى گفتم فرداى همان روز دفتر مرا خواست و گفت این حرفها چیه تو مى زنى؟ اخلاکى مى کنى؟ اگر این دفعه بخواهى شلوغ کنى از کارخانه اخراجت مى کنم.

در نظام توحیدى "کار" مبنای ارزش است، بنابراین

حقوق اجتماعى، سیاسى و اقتصادى زن و مرد برابر است.

در شرکت ایران ناسیونال مشهد چه میگذرد؟

در پی سالها بهره‌کشی و استثمار مستضعفان توسط سرمایه‌داران و امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، مبارزات پی‌گیر و مستمری برای نابودی بهره‌کشی بوقوع می‌پیوندد، کشورهای تحت سلطه میروند تا با انقلاب‌رهای بخش، خود را از یوغ این اسارت بیرون آورند، در همین زمان و برای فرونشاندن این مبارزات و سرکوب کردن انقلابات امپریالیسم آمریکا در پس نقاب حقوق بشر سعی می‌کند تا چهره کریه خود را از خلقها پنهان نماید و همچنین دست به یک سری اقدامات فرمی در کشورهای که بحالت انفجار و انقلاب نزدیک شده اند میزند، منجمله در ایران در سال ۴۲ رفرم ارضی (انقلاب با مصلح سفید) را توسط شاه مزدور پیاده می‌کند، که هدف درجه اول این رفرم، فرونشاندن پتانسیل انقلابی در ایران و بویژه در روستاهای باشد. اما از آنجائی که ماهیت چنین اقداماتی ضد خلقی است، سرانجام حقیقت برای توده‌ها روشن میشود، و آنها نیز با قیام قهرمانانه خود سد دیکتاتوری را درهم می‌شکنند، قابل توجه است که در این مرحله نیز آمریکا سعی می‌کند تا با تغییر دادن چندین مهره سرسپرده خود منجمله شاه، انقلاب را از مسیر اصلی خود (که همانا نابودی امپریالیسم آمریکا است) منحرف سازد، مردم دلیر با فروریختن و متلاشی کردن نظام فاسد و منحط پهلوی پست امپریالیسم آمریکا را به لرزه درمی‌آورند و میروند که تا سلطه اقتصادی اجتماعی امپریالیسم آمریکا را هم از بن برکنند. دولت انقلاب تشکیل میشود، همه چشم‌ها به اقدامات این دولت دوخته میشود، ماهها میگذرد، اما کسی اقدامی انقلابی از دولت نمی‌بیند، نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش و کارگر فشار می‌آورند و در چنین شرایطی است که دولت مجبور میشود، کارخانجات را ملی بکند (البته آنهم نه همه

آنها را) ، اما ملی کردنی که همراه باشد با دادن غرامت به سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌هایی که سالها خلقها را استثمار کرده‌اند و همچنین ابقاء قوانین ضد کارگری ، چه مفهومی می‌تواند داشته باشد ؟ آیا بنابر تصور تنها یک رفرم ، تصور دیگری جایز است ؟ اصولاً چه موقعی ملی شدن صنایع واقعیت می‌یابد ؟ آیا ملی کردن صنایع می‌تواند جدای از حاکمیت ملی بر کارخانجات و بجزاتکاء به کارگران و اداره آن توسط شوراها مفهومی داشته باشد ؟ آیا حمایت از سرمایه‌داران و موضعگیری و اقدام بر علیه کارگران را می‌شود بحساب ملی بودن گذاشت ؟ در زیر توجه شما را به آنچه در شرکت ایران ناسیونال مشهد گذشته است جلب می‌کنیم تا درک صحیحتری از این واقعیت داشته باشیم .

این شرکت یکی از بزرگترین و کارگری ترین کارخانجات شهر مشهد است ، بعد از انقلاب در این کارخانه توسط مشتی فرصت طلب و میوه چین جوی اختناق آمیز تحت پوشش شورا بوجود آمد ، بزودی با مشخص شدن عملکردهای ارتجاعی و ضد کارگری شورای قلبی ، کارگران تصمیم به انحلال آن می‌گیرند و قرار میشود که در روز پنجشنبه ، ۵۸/۱۱/۱۸ با حضور نماینده سپاه پاسداران انحلال شورا اعلام شده و سپس با معرفی کاندیداهای جدید در هفته آینده برای انتخابات شورای جدید رای گیری شود ، ولی روز قبل از موعد مقرر یعنی چهارشنبه عده‌ای از طرف دادگاه انقلاب آمده و از خارج شدن حدوده ۳۰ نفر از کارگران مبارز و قهرمان به اتهام ضد انقلابی بودن و اخلاگری در کارخانه جلوگیری کرده و آنها را به قصد محاکمه به دادگاه انقلاب جلب می‌نمایند ، فردای آنروز مجمع عمومی کارخانه تشکیل شده و یکی از اطرافیان سرپرست کارخانه شروع به سخنرانی می‌نماید . در نتیجه وقت کم آمده و انتخابات به هفته آینده موکول میشود ، در روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۲۴ یکی از اعضاء هیئت مدیره کارخانه ایران ناسیونال از تهران به همراه دو نفر دیگر به کارخانه آمده و یک هیئت مدیره ۵ نفری انتخاب و بلافاصله قبل از تشکیل مجمع عمومی مشهد را ترک می‌نمایند ، در بعد از ظهر پنجشنبه ۵۸/۱۱/۲۵ مجمع عمومی تشکیل میشود ، و نماینده سپاه پاسداران پشت تریبون رفته و می‌گوید که ار ۵ خواسته کارگران ۳ تای آن را انجام داده‌ایم و فقط دو خواسته دیگر مانده که یکی از آنها انحلال شورا است که اگر اعتراضی دارید مطرح نمایید . کارگران که از این همه صحنه سازی متحیر و گیج شده بودند ساکت ماندند و نماینده ادامه داد که تا یکشنبه وقت دارید که آنرا کتبا" اعلام دارید ، بعد از این روز شورا همچنان

باقی مانده و بکارش ادامه میدهد ، بنا براین بخوبی می بینیم که پس از انقلاب حامیان سرمایه داران چگونه حرکت کارگران را برای بدست آوردن آزادی و حق مسلم خود یعنی داشتن شورای واقعی کارگری که مورد اعتماد همه کارگران باشد ببازی گرفته و بدون در نظر گرفتن خواسته های کارگران خواسته های هشت ماده ای آنان را پنج ماده ای آنهم در حضور خودشان ذکر می کنند و سرپرست سابق را هم زیر پوشش هیئت مدیره جدید بر کارگران مبارز مسلط میکنند ، غافل از اینکه این خواست بحق کارگران زحمتکش یعنی انحلال شورا نیز به مدرک و سند احتیاج ندارد بلکه خود کارگران عملکرد یکساله این آقایان را بچشم دیده اند که این خود بهترین گواهی است ، بنا براین دولت جمهوری اسلامی هم اگر واقعا " به حاکمیت ملی و استقلال معتقد باشد باید به این خواست بحق کارگران جامعه عمل بپوشاند و بیش از این به موضعگیری در برابر کارگران نپردازد .

تاریخ گزارش : ۵۸/۱۱/۲۶

**کلیه سرمایه ها و کارخانجات سرمایه داران وابسته
بفارج را بطور واقعی باید ملی کرد .**

روز جهانی گازگرا به تمامی کارگران و زحمتکشان
تبریک می‌گوئیم .
به امید روزی که نظام استثماری در سایه اتحاد و
تشکل کارگران چونان فولادهای سختی که بدست
پرتوانشان تغییر شکل می‌یابد به جامعه‌ای بی طبقات
و توحیدی و بری از هرگونه استثمار تبدیل شود .

۲۵ ریال